

مقایسه و تحلیل «تشبیه» و ساختار آن در اشعار فروغ و ابتهاج

Simile and Its Structure in Poems of Furugh and Ebtehaj

Mehrnaz Lamei⁻
Seyed Mahmoud Anvari⁻⁻⁻
Saeed Farzaneh Fard⁻⁻⁻

مهروز لامعی⁻
سید محمود انواری⁻⁻⁻
سعید فرزانه فرد⁻⁻⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

Abstract

One of the methods of identification of style and difference of schools is the study of forms of imagination. Imagination is the main element in all classic and modern definitions. Poet takes advantage of imagination in order to establish a relationship between man and nature or discover a relation between these two. In doing so, he transcends the ordinary logical form of expression and turns it into a type of poetic expression and imaginary word called poetry. Among different types of imageries, simile is of particular place in distinguishing literary words from the non-literary. This literary element has retained its own function in a continuous way in the course of evolution of Persian literature. Simile as a term consists of establishing the similarity between two or several objects in order to specify their commonality in one or a number of attributes. Then, if we want to express the meaning and common feature between two things, we make use of the technique of simile. Poets and writers including Ebtehaj and Furugh have pursued their specific goals in application of simile; including expression of the state of the thing that is likened, praise and critique, illustration, description, bragging, summarizing, expanding, making the word imaginary and creation of theme. The present study relies on descriptive-analytic method and library resources to study the poems of Furugh and Ebtehaj from the structural perspective.

Keywords: Imaginaries, Simile, Structure, Furugh, Ebtehaj.

چکیده

یکی از شیوه‌های تشخیص سبک و تمایز مکتب‌ها، بررسی صورخیال است. خیال عنصر اصلی شعر، در همه تعریف‌های قدیم و جدید است. شاعر با کمک خیال و برقرارکردن ارتباط میان انسان و طبیعت، یا کشف ارتباط بین آن دو، از صورت بیان عادی و منطقی خارج و آن را به گونه بیان شعری و کلام مخیل در می‌آورد، که نظم او شعر می‌شود. در میان انواع صورخیال، که مهم‌ترین وجه تمایز سخن ادبی از غیر آن است، تشبیه جایگاه خاصی دارد. این عنصر ادبی در سیر تطور ادبیات فارسی، کارکرد خود را پیوسته حفظ کرده است. تشبیه در اصطلاح عبارت است از برقراری شباهت بین دو یا چند چیز، به قصد اشتراکشان در یک یا چند صفت. پس اگر بخواهیم معنی و صفت مشترک بین دو چیز را بیان کنیم، از فن تشبیه استفاده می‌نماییم. شاعران و نویسندگان از جمله ابتهاج و فروغ در به کار بردن تشبیه، اهدافی را دنبال می‌کنند؛ از جمله بیان حال مشبه، مدح و نکوهش، تصویرسازی، توصیف، مفاخره، ایجاز، اطناب، خیال‌انگیز کردن سخن و مضمون آفرینی. این پژوهش، با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، اشعار فروغ و ابتهاج را از لحاظ ساختاری تشبیه مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: صور خیال، تشبیه، ساختار، فروغ، ابتهاج.

. Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran; mehrnazlamei67@gmail.com
. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran
seyedmahmoudanvari@gmail.com
-. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran (Corresponding Author); farzane.saeed@gmail.co

. - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران؛ mehrnazlamei67@gmail.com
-. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران؛
seyedmahmoudanvari@gmail.com
-. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران (نویسنده مسئول)؛
farzane.saeed@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر بزرگی، قدرت تخیل اوست که شاعر هنرآفرین با روحی لطیف و حساس از پدیده‌های زیبای طبیعت، متأثر گشته و تصویرهای خیال‌انگیز می‌آفریند. به عبارت دیگر، «خیال شاعرانه، با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری می‌کند و تصورات خود را از این راه به تماشا می‌گذارد» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲).

تجسم این موضوعات ذهنی و عاطفی از سوی شاعر، موجب می‌شود تا خواننده از طریق تحلیل جریانات پنهانی، روح شاعر را در برخورد با اشیاء و مسائل هستی دریابد، که این امر طبعاً در قالب تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه خودنمایی می‌کند، به طوری که عبدالقاهر جرجانی، آن‌ها را به مانند مرکز و نقطه‌هایی می‌داند که تصرف در معانی، بر گرد آن‌ها می‌گیرد (رستگار فسایی، ۱۳۶۳: ۱۴).

از میان این عناصر، تشبیه به‌عنوان مؤثرترین ابزار تخیل، هسته اصلی و مرکزی خیال‌های شاعرانه است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کنید و در صور مختلف به بیان می‌آورد (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

تشبیه یکی از مباحثی است که در علم بیان، گستره وسیعی دارد و از نظر تعریف و انواع مختلف آن، با اندک تفاوتی مورد اتفاق علمای علم بیان قرار گرفته است. تشبیه را از صورخیال در شعر دانسته‌اند که در دوره‌های مختلف، مورد توجه شاعران بسیاری واقع شده و آن‌ها با توجه به ذوق، عاطفه، اندیشه، قوه خیال و تأثیرپذیری از میراث ادبی پیش از خود، موفق به خلق گونه‌هایی از تشبیه شده‌اند. مایه اصلی تشبیه، اغراق و خیال‌انگیزی است و این دو عنصر، تشبیه ادبی خیال‌انگیز را از مقایسه‌های ادبی تشبیه‌گونه، متمایز می‌کند و گفته‌اند فایده تشبیه، اغلب عاید مشبه

می‌شود (احمدنژاد، ۱۳۷۴: ۲۹).

تشبیه، اولین عامل تصویرآفرین در مباحث بیانی است که شاعر به وسیله آن جهان را زیباتر از آنچه هست، نشان می‌دهد و یکی از عناصر اصلی صورخیال در ادبیات هر ملتی به شمار می‌رود، که بسیاری از صورت‌های دیگر به‌نوعی از آن مایه می‌گیرند. از استعاره که بگذریم، صورت‌هایی چون نماد و رمز نیز با واسطه مبنای خود را از تشبیه می‌گیرند. همچنین، یکی از راه‌های تشخیص سبک‌ها و تمایز مکتب‌ها نیز، همین تشبیه است. به علاوه، یکی از راه‌های آشنایی با اندیشه شاعران و دست‌یابی به زوایای سایه روشن ذهن آنان، تحقیق و کاوش در تصاویر شعری آن‌هاست؛ چرا که این مهم، ملاک تمیز یک شعر تأثیرگذار از نظم معمولی محسوب می‌شود.

تشبیه با توجه به امکانات شعری ویژه‌ای که در اختیار شاعر قرار می‌دهد، در طول سال‌ها و سده‌ها که از عمر ادب فارسی می‌گذرد، مانایی خود را حفظ کرده و همچنان در گستره ادب فارسی نقش ایفا می‌کند. در شعر معاصر، هوشنگ ابتهاج و فروغ از شخصیت‌های برجسته ادبی هستند که با بهره‌گیری از این عنصر ادبی، موفق به خلق تصاویر زیبا و شاعرانه شده‌اند و قدرت تخیل خودشان را توسعه بخشیده‌اند. در دنیای ادب معاصر، اشعار ابتهاج و فروغ در شمار اشعار خوب و خواندنی هستند.

مضامین گیرا و دلکش، تشبیهات و استعارات و صورخیال بدیع، زبان روان و موزون و خوش‌ترکیب و هماهنگ با غزل، از ویژگی‌های شعر آن‌هاست (ساورسغلی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

بنابراین، تشبیهات در تبیین و القای بخش مهمی از تراوش‌های ذهنی ابتهاج و فرخزاد اثرگذار بوده‌اند. در بررسی اشعار ابتهاج و فرخزاد، مشخص می‌شود که تشبیه بیش از سایر صورت‌های خیالی در شعر آن‌ها کاربرد دارد.

مشبه و مشبه‌به هستند که در تشبیه هیچگاه حذف نمی‌شوند؛ زیرا هدف از تشبیه، توصیف خیال‌انگیزی از مشبه است و این توصیف خیال-انگیز باید از مشبه‌به گرفته شود، پس وجوه مشبه و مشبه‌به در ساختمان تشبیه لازم و ضروری است.

تشبیهات به‌طور کلی در این بررسی، به دو دسته تشبیهات اضافی (فشرده) و تشبیهات گسترده تقسیم‌بندی شده‌اند. منظور از تشبیهات فشرده، تشبیهاتی است که در آن‌ها مشبه‌به و مشبه اضافه شده است و منظور از تشبیهات گسترده، تشبیهاتی است که حالت اضافی ندارند، خواه در آن‌ها ادات تشبیه یا وجه‌شبه ذکر شده و خواه حذف شده باشند، لذا تقسیم‌بندی تشبیه از حیث شکل ظاهری (تشبیه جمع، تشبیه مشروط، تشبیه تفضیل و...) مورد نظر نبوده است، چون بیشتر در جستجوی یافتن پیوندهای شباهتی هستیم که شاعر میان اشیاء برقرار کرده است و ساختار ظاهری تشبیه امری زبانی است که در این بررسی مورد نظر نیست.

۲-۱. تشبیه از نظر محسوس و معقول بودن

طرفین آن

گاهی دویایه اصل تشبیه حسی هستند، یعنی با حواس ظاهر درک می‌شوند و گاهی هم از اموری انتخاب می‌شوند که با حواس ظاهر قابل درک نیستند و با عقل آن‌ها را درک می‌کنیم و به آن‌ها عقلی می‌گوییم. گاهی از به هم آمیخته‌شدن امور محسوس ترکیبی ساخته می‌شود که مجموعه آن در هستی وجود ندارد ولی هر کدام از اجزای این ترکیب، در هستی موجود هستند، به این ترکیب محسوس ولی ناموجود، در فن بیان خیالی گفته می‌شود؛ و چون از ترکیب دو امر محسوس تشکیل شده‌اند، آن‌ها را جزو امور حسی در نظر می‌گیریم و با این استدلال که امور موهوم وجود خارجی ندارند، تشبیهات وهمی را هم می‌توانیم جزو امور

آنچه در مورد تشبیهات آن‌ها اهمیت دارد، الگوی خاصی است که بر این تشبیهات حاکم است. منظور از این الگوی خاص، کاربرد غالب نوع خاصی از تشبیه است که بار گفتمانی دارد، به این معنی که در اغلب این تشبیهات، انعکاس ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... گاه پُررنگ و گاه کم‌رنگ دیده می‌شود و در اشعاری که درون‌مایه اجتماعی یا سیاسی دارند، اغلب وجوه گفتمان‌مدار بیشتری به چشم می‌خورد. به همین سبب، رابطه‌ای تنگاتنگ بین این تشبیهات، روحیه شاعر و جامعه او وجود دارد. بسیاری از این تشبیهات شعری ابتهاج و فرخزاد، دارای ارزش‌های تجربی و یا دارای ارزش‌های بیانی هستند، به این معنی که بیانگر ایدئولوژی شاعرند و با تجربه مستقیم آن‌ها از رویدادهای زمان ارتباط مستقیم دارند.

با بررسی این روابط، به تفسیر و تبیین، رابطه بین تشبیهات شعری و تعاملات اجتماعی و تبیین ایدئولوژی و گفتمان شاعران پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر، بر پایه روش توصیفی-تحلیلی و بنا بر اهمیت تصویر، تشبیهات شعری ابتهاج و فرخزاد از رهگذرهای مختلف تقسیم‌بندی شده و نمونه‌های شناسایی شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. بررسی ساختاری تشبیه در اشعار فروغ و

ابتهاج

تشبیه در اشعار فروغ، بارزترین و گسترده‌ترین کار او در حوزه صورخیال است. در سه دفتر اول شعر او، تشبیهات تازه و بدیع کمتر وجود دارد، اما به تدریج بر حجم این گونه تشبیهات افزوده می‌گردد، تا جایی که در «تولد دیگری» به اوج خود می‌رسد، و ما شاهد تشبیهاتی با ساخت‌های نو هستیم. و اما تشبیه در اشعار ابتهاج، دو رکن اساسی تشبیه،

نمونه‌ها

- معشوق به غم:

با جان شاید گرچه درآمیختی چو غم

ای دوست شاد باش که شادی سزای توست

ابتهاج/ سیاه مشق/ ۱۳۹

- دست به خاطره سوزان:

دستهایت را چون خاطرهای سوزان

در دستان عاشق من بگذار

فروغ/ تولدی دیگر/ ۳۰۸

ج) شبهه عقلی و شبهه به حسی (معقول به محسوس)

در تشبیه عقلی به حسی، شبهه به محسوس و قابل درک است و وسیله و ابزاری است برای تجسم هرچه بیشتر شبهه که امری عقلی است در ذهن «تشبیه عقلی به حسی رایج‌ترین نوع تشبیه است زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال شبهه است و اگر شبهه به محسوس باشد، شبهه معقول به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می‌شود» (شمیسا، سیروس، بیان، ۷۱).

در اشعار ابتهاج، بعد از تشبیهات حسی به حسی، بیشترین آمار تشبیهات متعلق به تشبیهات عقلی به حسی می‌باشد و ابتهاج برای توضیح مفهوم ذهنی خود از یک امر حسی بهره می‌برد تا بتواند آن مفهوم را به‌طور دقیق و حسی به مخاطب خود ارائه کند.

حجم گسترده‌ای از تشبیهات، در مقام حرف اول در شعر فروغ را تشبیهات «معقول به محسوس» دربرمی‌گیرد، یعنی شبهه در آن‌ها امری عقلی و شبهه به امری حسی است. این امور حسی عناصر متعددی را شامل می‌شوند، از طبیعت و اجزا و جلوه‌های آن گرفته، تا لوازم معمول زندگی و حتی حیوانات. این تشبیهات از نظر ساختار، هم به شکل

عقلی در نظر بگیریم؛ مانند غول، پری و سیمرغ که وجود خارجی ندارند، ولی اگر وجود پیدا کنند محسوس می‌شوند.

الف) هر دو پایه اصلی حسی (مشبه محسوس و مشبه به محسوس)

ساده‌ترین صورت خیال، تشبیه است. به‌ویژه تشبیه یک شیء حسی دیگر، که در پایین‌ترین سطح ادراک حسی قرار دارد.

در اشعار ابتهاج، تشبیه، تشبیه حسی به حسی کاربرد بیشتری دارد؛ ابتهاج در تصویرسازی‌های خود جهان و اشیاء را همان‌طور که هستند می‌نماید. از این رو، روح و جسم و زبان او همچون آینه‌ای شفاف در برابر طبیعت و اشیاء قرار دارد و آن‌ها را همان‌طور که هستند درک می‌کند به مخاطبش باز می‌نماید.

نمونه‌ها

- شب به جغد:

مخوان ای جغد شب لالایی شوم

که پشت پرده بیدار است خورشید

ابتهاج/ سیاه مشق/ ۲۳۴

در اشعار فروغ این تشبیه را در درجه دوم مورد استفاده قرار داده است.

- ابریشم به باران:

رقصد به روی پنجره‌ها باز

ابریشم معطر باران

فروغ/ عصیان/ ۲۵۷

ب) شبهه حسی، شبهه به عقلی (محسوس به معقول)

استفاده از این نوع تشبیه، از نظر تعداد فروغ بر ابتهاج پیشی گرفته است؛ و بیشتر در تشبیهات گسترده از این نوع تشبیه استفاده کرده است.

اضافی و هم به شکل گسترده وجود دارند.

نمونه‌ها

- فکر به بیشه:

آه دیربست که من مانده‌ام از خواب به دور
مانده در بستر و دل بسته به اندیشه خویشت
مانده در بستر و هر نفس از تیشه فکر

می‌زنم بر سر خود تا بکنم ریشه خویشت

ابتهاج / تاسیان / سراب / ۸۱

- زندگی به جویبار:

آه چه آرام و پرغرور گذر داشت

زندگی من چو جویبار غریبی

در دل این جمعه‌های ساکت متروک

فروغ / تولدی دیگر / ۳۳۸

(د) هر دو پایه اصلی عقلی (معقول به معقول)

این نوع تشبیه در اشعار ابتهاج، بسیار نادر و کم است؛ زیرا ابتهاج شاعری است که می‌خواهد مفاهیم ذهنی خود را به روشنی و وضوح به تصویر بکشد و عقلی بودن دو پایه او را از منظور خود دور می‌کند. از این رو ابتهاج این تشبیه را بسیار کم به کار برده است.

نمونه

- آرزو به عشق‌های دور جوانی:

بس آرزو که در دل من مرد

چون عشق‌های دور جوانی

اما امید هم‌ره من ماند

تنها گریستیم نهانی

ابتهاج / تاسیان / چندبرگ از یلدا / ۸۰

و اما در اشعار فروغ:

چنین ساختی در تشبیهات فروغ، مقام آخر را به خود گرفته است، با این وجود، تعداد قابل توجهی را نسبت به اشعار ابتهاج به خود اختصاص داده است؛ و در تشبیهات اضافی، با تکیه بر به

کاربردن موجودات وهمی مثل تشبیه اضافی «دیو دروغ» یا به کاربردن وجودی که با چشم درک نمی‌شود، مثل تشبیه اضافی «خدای غم».

نمونه

- شب سیاهی کرد و بیماری گرفت

دیده را طغیان بیداری گرفت

(فروع / تولدی دیگر / ۳۵۷)

۲-۲. پایه‌های اصلی تشبیه به لحاظ مفرد، مقید و مرکب بودن

مرکب بودن

پایه‌های اصلی تشبیه در اشکال زیر قابل بررسی می‌باشند:

۱- مفرد؛ یعنی بدون همراهی واسطه

۲- مقید؛ یعنی همراه با واسطه

۳- مرکب؛ یعنی هیاتی ترکیبی از چند چیز

برای این که اسم به چیزی مشخص و دریافتنی اشاره کند، به وابسته نیاز دارد. وابسته‌ها به دلیل محدود کردن هسته، آن را عینیت می‌بخشند و ناگزیر ذهن را به جانبی معین سوق می‌دهند.

این محدودسازی، راه را برای فهم و درک بیشتر هموار می‌سازد و مقدمه‌ای برای درک زیبایی و فضای شاعرانه می‌گردد و در نتیجه، روح انسان از این درک شاعرانه بهره‌مند می‌گردد. تشبیه مرکب نیز به دلیل داشتن عناصر بسیار، رسایی بیشتری نسبت به تشبیه مفرد دارد و ارزش زیبایی شناختی بیشتری در آن می‌توان یافت.

در اشعار ابتهاج و فروغ، تعداد تشبیهات مفرد به مفرد در مقایسه با انواع دیگر، بیشتر است و از بسامد بالایی برخوردار است.

(الف) مشبه مفرد، مشبه به مفرد

این تشبیه در اشعار این دو شاعر بزرگوار از بسامد بالایی برخوردار است.

نمونه‌ها

- تو (معشوق) به شب / تو (معشوق) به آفتاب:

چون شب به سایه‌های پریشان گریختی

چون آفتاب از همه سو جلوه‌گر بیا

ابتهاج / سیاه مشق / ۱۸۱

- آب به زورق:

در زورق آب‌های لرزان بازیچه عطر و نور بودیم

فروغ // سیر / ۱۷۰

ب) شبهه مفرد، شبهه به مقید

در این نوع تشبیهات، شبهه به، به دلیل مقیدشدن، قوی‌تر و آشکارتر از شبهه است و تصویر را روشن و آشکار می‌سازد و از نظر بسامد، در اشعار ابتهاج و فروغ به صورت همسان کاربرد داشته است.

نمونه‌ها

- عشق به شب چراغ:

در آن شب‌های توفانی که عالم زیرورو می‌شد

نهانی شب چراغ عشق را در سینه پروردم

ابتهاج / سیاه مشق / ۱۳۵

- اتاق به مردمک چشم مرده‌ها

به من بگوید آیا در آن اتاق بلورین

که مثل مردمک چشم مرده‌ها سرد است.....

فروغ / تولدی دیگر / ۳۳۵

ج) شبهه مقید، شبهه به مفرد

شاعر در این نوع تشبیهات، با مقید کردن شبهه، فضایی محدود اما شاعرانه ایجاد می‌کند و گویی به تصاویر خود، رنگی خاص می‌بخشد و این فرصت را به خواننده می‌دهد که در این فضای محدود و فردی و خاص با او هم‌گام و همراه شود، و در این نوع تشبیه، ابتهاج از بسامد بالایی استفاده کرده است و در مقابل این نوع از توجه بسیار اندکی برای فروغ برخوردار بوده است.

نمونه‌ها

- دل شکسته ما به آینه

دل شکسته ما همچو آینه پاک است

بهای در نشود گم اگر چه در خاک است

ابتهاج / سیاه مشق / ۱۵۴

- مفاهیم کهنه به گور

من شبدر چهار پری را می‌بویم

که روی گور مفاهیم کهنه روئیده است

ابتهاج // ایمان بیاوریم / ۴۴۷

د) شبهه مقید، شبهه به مقید

در این مورد، در اشعار ابتهاج، بیشتر از فروغ دیده می‌شود.

نمونه‌ها

- دل گرفته من به ابر بارانی

دل گرفته من همچو ابر بارانی

گشایشی مگر از گریه شبانه گرفت

ابتهاج / سیاه مشق / ۸۸

- پرده‌ای نیلوفری به حریر ابرها

پرده‌ای نیلوفری افکنده بود

گرد ما گویی حریر ابرها

فروغ / دیوار / ۲۰۳

ه) شبهه مرکب، شبهه به مرکب

نمونه‌هایی از این تشبیه، در اشعار این دو شاعر بزرگوار کمیاب و نادر است.

نمونه‌ها

- دوش آن رشته‌های یاس کبود

خفته بر سینه دل‌انگیزت

راست گفتمی که آرزوی من است

که چنان گشته گردن آویزت

ابتهاج / تاسیان / سراب / ۱۱

- چهره شگفت از آن سوی دریچه به من می‌گفت:

ویژگی‌های خاص تشبیهات ابتهاج و فروغ در اشعار ابتهاج

الف) تشبیه در تشبیه

ابتهاج گاه ساختار تشبیه بلیغ فشرده را در جایگاه
مشبه یا مشبه‌به به کار می‌برد، و تصویر در تصویر
ایجاد می‌کند و موجی از خیال شاعرانه را در این
تصاویر مجسم می‌سازد و یک تشبیه را در دل
تشبیه دیگر جای می‌دهد.

نمونه

- کوه گران غصه به پر کاه

باد خوشی که می‌وزد از سر موج بادهات

کوه گران را چون پر کاه می‌کند

سیاه مشق / ۱۷۹

ب) صفت مرکب تشبیهی

در ساختار صفت مرکب تشبیهی، دو سوی تشبیه
به هم می‌آمیزند و در واقع یک واژه مرکب
می‌سازند و در عین کوتاهی دربردارندهٔ دوپایهٔ
اصلی تشبیه می‌باشند.

نمونه

- سیمینه تن نهفته به نیلوفری پرند

چون مریم سپید که آیش بر تن است

تاسیان / تاسیان / ۲۹

این ترکیبات در زبان شعری ابتهاج، به‌طور
شاخص وجود دارند و جانشین موصوف محذوف
هستند. و اکنون به بررسی تشبیهات تازه و بدیع
فروغ می‌پردازیم، که ساختی متفاوت با تشبیهات
شناخته شده دارند:

الف) تشبیهاتی که در آنها مشبه‌به در ساختار

جمله نقش بدل دارد:

ای هفت سالگی، ای لحظهٔ شگفت عزیمت

ایمان بیاوریم... / ۴۳۷

ب) تشبیهاتی که ملهم از حضور شاعر در یک

.... من، من که هیچ گاه

جز بادبادکی سبک و ولگرد

بر پشت بام‌های مه‌آلود آسمان

چیزی نبوده‌ام.

فروغ / تولدی دیگر / ۳۶۹ و ۳۷۰

و) مشبه مفرد، مشبه‌به مرکب

این نمونه در اشعار ابتهاج، بسیار نادر است و این
درحالیست که فروغ در تعداد قابل توجهی از این
نوع استفاده کرده است.

نمونه‌ها

- چه فکر می‌کنی؟

جهان چو آبگینهٔ شکسته‌ای است

که سرو راست هم در او شکسته می‌نمایدت

ابتهاج / تاسیان / تاسیان / ۱۸۷

مشبه مفرد: جهان و مشبه‌به مرکب: آبگینهٔ

شکسته‌ای که سرو راست در آن شکسته دیده

می‌شود.

- از تو ای چشمهٔ جوشان گناه

شاید آن به که پرهیزم من

فروغ / اسیر / ۸۲

مشبه: انسان و مشبه‌به مرکب: چشمهٔ جوشان گناه

ز) مشبه مرکب، مشبه‌به مفرد

این تشبیه در اشعار ابتهاج، وجود ندارد، و در
اشعار فروغ، فقط یک مورد یافته شد:

- دیگر خیالم از همه سو راحتست

آغوش مهربان مام وطن

پستانک سوابق پرافتخار تاریخی....

فروغ / تولدی دیگر / ۴۰۲

مشبه مرکب: سوابق تاریخی و مشبه‌به مفرد:

پستانک

مکان و موقعیت خاص، در حال سرودن شعر است؛ این‌گونه تشبیهات، تشبیهاتی است که وجه‌شبه در آن کاملاً مشخص و معلوم نیست.

از محتوای شعر و ابیات پیشین و پسین، چنین استنباط می‌شود که این تشبیه براساس مشاهده منظره‌ای خاص در حین سرودن شعر برای شاعر پیش آمده است. وجه‌شبه از دقت در ابیات قبل یا بعد مشخص می‌شود. مثلاً در تشبیه «فردا» به «حجم سفید لیز» وجه‌شبه واضح نیست، اما با مطالعه ابیات قبلی شعر، می‌فهمیم که تشریح یک روز برفی مورد نظر بوده است و از تداعی بارش برف با منظره یک صبح برفی در روز آینده، این تشبیه به وجود آمده است:

پاکیزه برف من، چو کرکی نرم
آرام می‌بارید
بر نردبام کهنه‌ی چوبی
بر رشته سست طناب رخت.....
و فکر می‌کردم به فردا، آه
فردا
حجم سفید لیز.

تولدی دیگر / ۲۹۱

ج) تشبیهاتی که در عین صراحت، حاوی پیام مبهمی نیز می‌باشد که درک آن محتاج دقت بیشتر در عناصر سازنده تشبیه است و این دقت بیشتر، درک اوضاع و شرایطی را که شاعر با آن درگیر است به خواننده القا می‌کند و با در نظر گرفتن این شرایط است که منظور واقعی شاعر، از تصویری که به وجود آورده، آشکارتر می‌شود.

مثلاً در قطعه زیر:

چون تورا می‌نگرم
مثل این است که از پنجره‌ای
تک درختم را سرشار از برگ
در تب زرد خزان می‌نگرم

تولدی دیگر / ۲۹۶

در نگاه اول، می‌توان گفت که معشوق شاعر به تک درختی پر برگ تشبیه شده است. اما اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که تشبیه دیگری نیز در این قطعه مستتر است و آن، اوضاع و شرایط زندگی شاعر و محیط اطراف اوست که به تب زرد خزان (می‌توان کنایه از اندوه و افسردگی دانست)، تشبیه شده است؛ در این‌جاست که اهمیت معشوق مشخص می‌شود که در محیطی خزان‌زده و افسرده، همانند درختی سرشار از برگ (نماد شکوفایی و سرسبزی) برای شاعر جلوه یافته است.

د) تشبیهاتی که یک طرف تشبیه واقعی نیست و شرایط تشبیه قابل درک نمی‌باشد.

این نوع تشبیهات را باید در حوزه بیان غیرمستقیم قرار داد:

کار.....کار؟

آری اما در آن میز بزرگ دشمنی مخفی مسکن دارد
که تو را می‌جود آرام آرام
و سرانجام تو در فنجانی چای فرو خواهی رفت
مثل قایق در گرداب

تولدی دیگر / ۳۵۴

در این‌جا فرو رفتن در فنجان چای، مشبه و فرو رفتن قایق در گرداب، مشبه‌به است. اما تجربه‌ای که با مشبه بیان می‌شود، قابل درک نیست. می‌توان گفت معنی غیرمستقیم این عبارت، نابودی و تباه شدن عمر در کار مداوم و روزمره است.

۳. نتایج به‌دست آمده از بررسی ساختاری

تشبیه در اشعار ابتهاج و فروغ:

۱- از جهت حسی و عقلی بودن پایه‌های تشبیه، بسامد تشبیهات حسی به حسی بیش از سایر انواع آن است.

۲- تشبیهات عقلی به عقلی کمترین بسامد را در بین تشبیهات دارند.

۳- پایه‌های بیشتر تشبیه‌ها از نوع مفرد به مفرد هستند و پایه‌های مرکب کمتر دیده می‌شوند.

۴- ابتهاج در توصیف تصاویر شاعرانه، از صفات مرکب تشبیهی بسیار بهره برده است.
 ۵- بیشترین عناصر سازنده تشبیه در مشبه‌ها، انسان و اعضای بدن فروغ و عواطف انسانی هستند (و انسان با ضمیر من، تو، او و ما، در مقام خود شاعر، معشوق یا انسان‌های دیگر) و در مقایسه با مشبه‌ها، مشبه‌ها از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردارند و متعلق به طبیعت و عناصر طبیعی است.

ضمیمه

جدول پایه‌های تشبیه از جهت حسی و عقلی بودن در اشعار ابتهاج و فروغ

مشبه	مشبه به	تعداد	درصد	شاعران
حسی	حسی	۵۸۱	۰۷ / ۵۵٪	ابتهاج
		۱۵۱	۹۰ / ۲۵٪	فروغ
حسی	عقلی	۱۰۴	۹ / ۸۵٪	ابتهاج
		۱۰۸	۵۲ / ۱۸٪	فروغ
عقلی	عقلی	۴۹	۴ / ۶۴٪	ابتهاج
		۱۰۳	۶۶ / ۱۷٪	فروغ
عقلی	حسی	۳۲۱	۴۲ / ۳۰٪	ابتهاج
		۲۲۱	۹۰ / ۳۷٪	فروغ

جدول پایه‌های اصلی تشبیه به لحاظ مفرد، مقید و مرکب بودن در اشعار ابتهاج و فروغ

مشبه	مشبه به	شاعر	تعداد	درصد
مفرد	مفرد	ابتهاج	۵۶۷	۱۵ / ۵۴٪
		فروغ	۲۳۹	۶۳ / ۵۰٪
مفرد	مقید	ابتهاج	۲۶۴	۲۱ / ۲۵٪
		فروغ	۱۲۴	۲۷ / ۲۶٪
مقید	مفرد	ابتهاج	۸۷	۳۰ / ۸٪
		فروغ	۹	۹۰ / ۱٪
مقید	مقید	ابتهاج	۸۹	۵۰ / ۸٪
		فروغ	۱۴	۹۶ / ۲٪
مرکب	مرکب	ابتهاج	۱۶	۴۸ / ۲٪
		فروغ	۱۲	۵۴ / ۲٪
مفرد	مرکب	ابتهاج	۱۴	۳۳ / ۱٪
		فروغ	۷۳	۴۶ / ۱۵٪
مرکب	مفرد	ابتهاج	-	-
		فروغ	۱	۲۱ / ۰٪

منابع

- احمدنژاد، کامل (۱۳۷۴). فنون ادبی. تهران: پایا. چاپ دوم.
- ابتهاج، هوشنگ (۱۳۸۶). سیاه مشق. تهران: کارنامه.
- _____ (۱۳۸۶). تاسیان. تهران: کارنامه. چاپ سوم.
- براهنی، رضا (۱۳۸۵). طلا در مس. چاپ سوم، تهران: زمان.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). سفر در مه. تهران: بنگاه.
- جلالی، بهروز (۱۳۷۲). جاودانه زیستن در اوج ماندن. چاپ اول. تهران: مروارید.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۵۴). اسرارالبلاغه. تحقیق ه. ریتز. استانبول.
- حقوقی، محمد (۱۳۷۳). شعر زمان ما. تهران: مروارید. چاپ دوم.
- _____ (۱۳۶۸). شعر و شاعران. تهران: نگاه. چاپ دوم.
- حسن لی، کاووس (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
- حرف‌هایی با فروغ. چاپ اول، تهران: مروارید.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۶۳). تصویرآفرینی در شاهنامه. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رازی، شمس‌الدین محمدبن قیس (۱۳۳۸). المعجم فی معاییر اشعارالعجم. تصحیح عبدالوهاب قزوینی و مدارس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: توس. چاپ اول.
- ساورسغلی، سارا (۱۳۸۷). ای عشق همه بهانه از توست. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). بیان و معانی. تهران: فردوس.
- _____ (۱۳۸۱). بیان. تهران: فردوس. چاپ پنجم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: توس. چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۰). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه. چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۶۸). موسیقی شعر. تهران: آگاه. چاپ دوم.
- علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا (۱۳۷۹). معانی و بیان. تهران: سمت. چاپ دوم.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی. چاپ سوم.
- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد؛ محسنی، مرتضی؛ شاکری‌نسب، بهادر (۱۳۸۹). «تشبیه و توصیف، دو ویژگی سبکی شعر ابتهاج». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، سال ۱، شماره ۲.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: سخن. چاپ دوم.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۷۱). دیوان اشعار. تهران: مروارید. چاپ اول.
- کروچه، بندتو (۱۳۴۴). کلیات زیباشناختی. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۵). بیان. تهران: کتاب ماد.
- نوری علاء، اسماعیل (۱۳۴۸). صور و اسباب در شعر امروز ایران. تهران: بامداد. چاپ اول.
- وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۰۸). حقائق السحر فی دقائق الشعر. تهران: تصحیح عباس اقبال. مطبوعه مجلس.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما. چاپ هشتم.